

صورت مشروح

مذاكرات مجلس

بالضمان متن قوالين

يكشنبه ۵ مردادماه ۱۳۱۴ - ۲۶ ربيع الثاني ۱۳۵۴

شماره مسلسل : ۲۹۴

قیمت اشتراك } سالیانه : ۷۰ ریال
داخلة : ۱۰۰ ریال
خارجہ : ۱۰۰ ریال
تک شماره : دو ریال

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه پنجم مرداد ماه ۱۳۱۴ * (۲۶ ربیع الثانی ۱۳۵۴)

فهرست مطالب

- | | |
|--|---|
| ۱ (تصویب صورت مجلس | ۴ (شور اول لایحه تشکیلات مؤسسه بهره برداری راه آهن دولتی |
| ۲ (شور اول قسمتی از لایحه قانون مدنی راجع به حجر و قیمومت | ۵ (بقیه شور قسمتی از قانون مدنی راجع به حجر و قیمومت |
| ۳ (تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه | ۶ (تصویب چهار فقره مرخصی |
| | ۷ (موقع جلسه بعد - ختم جلسه |

(مجلس دو ساعت و ده دقیقه قبل از ظهر بر ریاست آقای حاج میرزا حسن خان اسفند یاری تشکیل گردید)

صورت مجلس جلسه قبل (۲۹ تیر) را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیسب ؟ (اظهار نشد)
صورت مجلس تصویب شد. آقای عراقی قبل از دستور
فرمایشی دارید ؟

عراقی - عرضی ندارم.

[۲ - شور اول لایحه قسمتی از قانون مدنی راجع به حجر و قیمومت]

رئیس - شور اول خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع
به حجر و قیمومت :

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه بمجلس مقدس شورای ملی
کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۱۲۴۲۳ دولت
راجع به حجر و قیمومت ضمیمه قانون مدنی را با حضور
آقای وزیر عدلیه مورد شور و مطالعه قرار داده پس از
مذاکرات مفصل نسبت بهر يك از مواد پیشنهادی بالاخره
لایحه مزبور را با اصلاحاتی برای شور اول تصویب و
علی هذا خبر آنرا تقدیم مجلس مقدس شورای ملی مینماید
رئیس - ماده ۱۲۰۷ قرائت میشود

* * * عین مذاکرات مشروح سیزدهمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : اعظم زنگنه - عراقی

غائبین بی اجازه - آقایان : نازی - حاج ملک - مؤید قوامی - مؤیدی - هنراز - ممد

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر ادهم - شاهنک - لیتوانی

ماده ۱۲۰۷ - اشخاصی ذیل مجبور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱ - صغار . ۲ - اشخاص غیر رشید . ۳ - مجانین . رئیس - مذاکره در کلیات است . آقای دیبا در باب کلیات اظهاری دارید بفرمائید .

دیبا - بنده در کمیسیون عدلیه هم عرض کرده ام این لفظ خود در اینجا زیادی است و مفهوم این است که این قبیل اشخاص یعنی صغار و غیر رشید و مجانین حق تصرف در اموال دیگران دارند در صورتیکه مقصود این است چه در مال خودشان و چه در مال دیگران علی ای حال حق تصرف ندارند . این است که بنده این کلمه را زاید میدانم و خوب نیست .

رئیس - آقای عراقی .

عراقی - بنده خیال میکنم این عیبی را که آقای دیبا در اینجا فرمودند وارد نیست برای اینکه وقتی کسی بواسطه صغر یا حجر یا جنون از تصرف در اموال خودش ممنوع شد همچو آدمی معنی ندارد که در مال دیگران مأذون - التصرف باشد . اما عرض بنده این است که اینجا نوشته « در اموال و حقوق مالی خودش » بنده علاوه بر حقوق مالی سایر حقوق را هم میگویم باید نوشته شود که مجبور باشد . مثلاً صغیر حق انتخاب شدن یا انتخاب کردن ندارد حق وکالت در عدلیه و همینطور خیلی چیزها است که سفیه یا صغیر حق ندارد که داشته باشد . بنده خیال میکنم باید نوشته شود در حقوق مالی و غیر مالی این اشخاص حق ندارند و باید مجبور باشند بنده اجازه خواسته بودم برای يك ماده دیگری لذا حالا در کلیات پیش از این عرض نمیکنم .

مؤید احمدی (عزیر کمیسیون قوانین عدلیه) - البته

آقای عراقی توجه فرموده اند که این قانون مدنی است و قانون مدنی فقط در حقوق مالی عنوان میکند و سایر حقوق البته در جای خود و در قوانین مربوط به خودش محفوظ است مثلاً در قانون انتخابات هست که با سن

بسیست سال نرسد حق انتخاب ندارد . و این اشخاص منحصر به سفیه یا صغیر نیست مثلاً کسی که محکوم و از حقوق اجتماعی محروم میشود البته او هم این حقوق را ندارد ولی اینها در جای خودش باید نوشته شود نه در قانون مدنی . اما آن فرمایشی که آقای دیبا فرمودند جوابش همان بود که آقای عراقی فرمودند وقتی کسی در مال خودش ممنوع التصرف شد بطریق اولی نمیتواند در مال دیگران دخالت و تصرفی مینماید .

رئیس - آقای دیبا .

دیبا - عرضی ندارم .

رئیس - ماده ۱۲۰۸ .

ماده ۱۲۰۸ - غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نباشد .

رئیس - آقای وثوق .

وثوق - در اینجا تعبیر کرده غیر رشید را و نوشته کسی که تصرف در اموال و حقوق مالی خودش عقلانی نباشد . بنده تصور نمیکنم که معنای غیر رشید این باشد ممکن است بیک اشخاصی يك اتهاماتی بزنند و در دنیا هم خیلی سابقه دارد و از این طریق سوء استفاده کنند چه در محاکم قضائی و چه در غیر آن . ممکن است در شور دوم در کمیسیون عدلیه برای غیر رشید تفسیر و تعبیر بیشتری داده شود که رافع هرگونه احتمالاتی باشد . تا مطلب آن قدری که باید روشن شود و معلوم شود که مشخص رشید و غیر رشید چه چیز است . چون قانون مدنی است و در دست مردم است .

مخیر - عرض کنم البته آقای وثوق در نظر دارند که در کتب فقهی ما غیر رشید را همین عبارت مینویسند یعنی کسیکه تفاوت بین نفع و ضررش را ندهد . این سفیه است . این را محکمه باید معین کند یعنی آن کسیکه مدعی است که این آدم سفیه یا غیر رشید است باید اثبات کند در محکمه و از روی عملیات او معلوم میشود که معاملات او عقلانی نیست و پس از اثبات البته معلوم

میشود که این آدم سفیه است یا نه . و البته تا وقتی که حکمی صادر نشده و در محکمه اثبات نشده ما معاملاتش را قبول داریم به علاوه اگر در مواد بعد دقت بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود که در آنجا توضیحات بیشتری داده شده .

رئیس - آقای دیبا .

دیبا - ترتیب تعریف در این قبیل مسائل این است که همیشه طرف اثبات را باید گرفت و تعریف کرد نه طرف منفی را . بنده عقیده ام این است که اگر رشید را ما تعریف میگردیم و برای رشد تعریف در قانون می نوشتیم تکلیف غیر رشید هم که عکس او بود ضمناً معلوم شده و آنهم تعریف میشد . و محاکم بهتر تشخیص میدادند اینجا فقط طرف منفی تعریف شده غیر رشید کسی است که در زندگی خودش نتواند مداخله کند در صورتی که اینطور نیست . رشید کسی است که تصرفاتش عقلانی باشد نه تنها در اموال و حقوق خودش بلکه در امور عائله خود و در سایر امور مربوط به معاشیه دنیوی خودش . و خلاصه رشید آن کسی است که مستقیماً بتواند خودش را اداره کند . و اگر ما این را تعریف میگردیم غیر رشید هم معلوم نیست . طرف منفی را تعریف کردن مثل این است که ما بیائیم و در این جا جاهل را تعریف کنیم تعریف جاهل را کسی نمیداند باید عالم را تعریف کرد تا جاهل که نقطه مقابل او است ضمناً معلوم باشد .

مؤید احمدی - تصور میکنم يك اشتباهی برای آقا دست داده بعلمت این که میفرمایند اول رشید را باید تعریف کنیم و برای همه مردم در قانون بنویسیم که رشید چیست ؟ (اینطور میفرمائید) شخصی از فقها را بنده سراغ دارم کتابی نوشته بود و در آن نوشته بود چیز هائی که روزه را باطل نمی کند . سایرین چیز هائی که روزه را باطل می کنند نوشته بودند ولی او چیز هائی که روزه را باطل نمیکند

نوشته بود . مثلاً نوشته بود راه وقتن و خوابیدن روزه را باطل نمیکند . و خیلی چیز های دیگر . آقا غیر رشید محدود است . عامه رشیدند . اصل رشد است . غیر رشید است خلاف اصل است یعنی اگر کسی پیدا شد که غیر رشید است او خلاف اصل است . حالا ما قانون برای رشید وضع کنیم ؟ هر رشیدی حق تصرف در اموالش دارد . غیر رشید آن است که این حق را ندارد . پس ما برای کسی که این حق را ندارد و خلاف اصل است باید قانون وضع کنیم اما مثلی هم که زدید بعکس است فرمودید ما باید تعریف عالم را در مقابل جاهل بکنیم . در اینجا بعکس است زیرا عالم کمتر است تا جاهل . در این جا بنده عرض میکنم غیر رشید کم است و رشید زیاد ولی در آن مثلی که فرمودید عکس است یعنی جاهل زیاد است و عالم کم . منظورتان عکس آن مثلی است که فرمودید .

رئیس - چون خبر کمیسیون طرق و شوارع حاضر است و آقای وزیر طرق هم حاضرند و آقای وزیر عدلیه هنوز تشریف نیاورده اند اگر تصویب میفرمائید لایحه ایشان مذاکره شود (صحیح است) آقای وزیر امور خارجه فرمایشی دارید ؟

[۳- تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه]

وزیر امور خارجه (آقای کاظمی) - دو لایحه است که بنده خواستم تقدیم کنم . یکی راجع به عوائد دفتری که از نمایندگی های ایران و خارجه گرفته میشود چون در این باید تغییراتی داده شود برطبق معامله متقابل و ترتیبانی که بهتر است و استدعا کردم موافقت شود که این عوائد را تصویب کنند . يك لایحه دیگر راجع به تمدید مدتی است که برطبق قانون تذکره بایرانی هائی که از خارجه میخواهند بایران مراجعت کنند و برای آنها جرایم مقرر شده بود حالا استدعا شده است که دو سال هم برای این مدت علاوه شود .

رئیس - به کمیسیون لایحه ارجاع خواهد شد . خبر کمیسیون طرق و شوارع قرائت میشود .

۴- شور اول لایحه تاسیس مؤسسه بهره برداری راه آهن دولتی

خبر از کمیسیون طرق و شوارع بمجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون طرق و شوارع در تاریخ فوق لایحه نمره ۵۴۴۹ دولت راجع به تشکیلات بهره برداری راه آهن ایران را با حضور آقای وزیر طرق و شوارع مورد بحث قرار داده با توضیحاتی که از طرف آقای وزیر طرق و شوارع داده شد با اصلاح مختصری در ماده ۹ عیناً تصویب اینک خبر آن را برای شور اول تقدیم میدارد.

رئیس - مذاکره در کلیات است.

دکتر طاهری - خوب است قرائت شود.

(بشرح آتی قرائت شد.)

ساحت محترم مجلس شورای

چون بهره برداری راه آهن همواره در توسعه میباشد و احتیاجات خاص امور بهره برداری مستلزم تشکیلات و مقررات مخصوصی است برای تأمین این منظور مواد ذیل پیشنهاد و تقاضای تصویب آن میشود.

ماده ۱ - برای اداره کردن بهره برداری راه آهن دولتی ایران اعم از خطوط موجوده و یا خطوطیکه در آینده احداث شود مؤسسه بنام راه آهن دولتی ایران تشکیل میشود.

ماده ۲ - مؤسسه راه آهن دولتی ایران که جزو تشکیلات وزارت طرق میباشد مرکب از یک هیئت مدیره و یک هیئت نظارت و دارای قسمتها و شعب اداری و فنی لازمه خواهد بود.

ماده ۳ - الف - هیئت مدیره تشکیل میشود از مدیر کل راه آهن که سمت ریاست را دارد و سر مهندس راه آهن که معاون فنی او میباشد و یک نفر عضو مهندس و رئیس محاسبات راه آهن.

ب - هیئت نظارت تشکیل میشود از معاون وزارت طرق که سمت ریاست هیئت را دارا میباشد یک نفر نماینده از طرف وزارت مالیه یک نفر نماینده از طرف دیوان محاسبات و

دو نفر مهندس از طرف وزارت طرق. وظائف دو هیئت مزبور و مدیر کل راه آهن و معاون فنی او بموجب نظامنامه معین خواهد گردید.

ماده ۴ - کلیه امور اداری و فنی مؤسسه راه آهن دولتی ایران اعم از مسائل مالی و استخدامی و مقررات و نظامات مربوطه به رشته های مختلفه بهره برداری به تناسب احتیاجات آن مؤسسه بر طبق نظامنامه های مخصوص جریان خواهد یافت.

نظامنامه های لازم را وزارت طرق بتصویب هیئت وزراء خواهد رسانید.

نظامنامه های مربوطه به امور مالی با موافقت وزارت مالیه تهیه خواهد شد.

تبصره ۱ - باستثنای مواردیکه در نظامنامه مربوطه معین میگردد نصب و انفصال و انتقال و تعیین حقوق و اضافه حقوق و ترفیع کلیه مستخدمین راه آهن در حدود نظامنامه به اختیار مدیر کل راه آهن خواهد بود.

تبصره ۲ - مستخدمین مشمول قانون استخدام کشوری که در خدمت مؤسسه راه آهن دولتی ایران خواهند بود تابع نظامنامه ها و مقررات مؤسسه مزبور بوده و هر گاه کشور تقاعد مقرر در قانون استخدام کشوری را به صندوق تقاعد بپردازند از مزایای قانون مزبور راجع بتقاعد و وظیفه و انتظار خدمت و ترفیع رتبه نیز استفاده خواهند نمود.

تبصره ۳ - استخدام مستخدمین خارجی در راه آهن موکول بتصویب هیئت وزراء میباشد.

ماده ۵ - عایدات راه آهن عبارت است از:

- ۱ - وجوه حاصله از اجرای تعرفه مصوب دولت
- ۲ - وجوهی که ممکن است از فروش یا اجاره اشیاء و اموال راه آهن و یا از جرائم مربوطه به تنسیقات اداری و انتظامی حاصل گردد.

۳ - وجوهیکه مطابق ماده واحده مصوب ۱۸ آبان ۱۳۱۲ با تصویب دولت پرداخته شود.

و وجوه مذکوره فوق بوسیله مؤسسه راه آهن دولتی

ایران جمع آوری و دریافت میگردد و در حساب مخصوصی در بانک ملی گذاشته میشود و مخارج موافق بودجه مصوبه مستقیماً از طرف مؤسسه بهمان حساب حواله و پرداخته خواهد شد.

ماده ۶ - هیئت مدیره و هیئت نظارت هر یک در حدود وظائف خود در ترتیب و تنظیم بودجه سالیانه و جمع آوری عایدات و مصرف وجوه مکلف بمراقبت و نظارت میباشدند و پس از رسیدگی بمحاسبات عایدات و مخارج برای هر سال تا نیمه سال بعد صورت خلاصه از وضعیت مالی مؤسسه با تصدیق هیئت نظارت از طرف مؤسسه راه آهن به دولت تقدیم میگردد و صورت مزبور سند تفریح بودجه و مفاصای حساب آن سال خواهد بود به ضمیمه صورت مزبور صورت علیحده دیگری شامل احصائیه و وضیعت کلیه اموال منقول و غیر منقول راه آهن باید تسلیم گردد.

ماده ۷ - از تاریخ اجرای این قانون نگاهداری و بکار انداختن کلیه اموال و اثاثیه و ابنیه و وسائل ناقله و ساختمانهای فنی و غیره متعلق به خطوط آهن و کشتی رانی دریاچه رضائیه با تشکیلات آن به مؤسسه راه آهن دولتی ایران محول میگردد.

ماده ۸ - برای حفظ انتظامات و اجرای مقررات و تنسیقات اختصاصی راه آهن پلیس انتظامی مخصوصی تشکیل خواهد شد که مخارج آن در بودجه راه آهن منظور میگردد تشکیلات و وظائف پلیس انتظامی بموجب نظامنامه که بتصویب دولت میرسد معین خواهد گردید و در اجرای وظائف تابع دستور مؤسسه راه آهن خواهد بود.

ماده ۹ - این قانون از تاریخ اول مهر ۱۳۱۴ بموقع اجرا گذاشته میشود و قوانینی که با هر یک از مواد آن منافات داشته باشد در مورد مؤسسه راه آهن دولتی ایران مجری نخواهد بود.

رئیس - مذاکره در کلیات است. (دکتر طاهری -

مخالفی نیست) آقای احتشام زاده.

احتشام زاده - البته با توسعه که امر بهره برداری

راه آهن ایران پیدا میکند و روز بروز قطعات آماده شده زیادتری تمام می شود اینست که وزارت طرق يك فکتر اساسی و عملی برای اداره کردن راه آهن لازم بود بنماید و البته با مطالعاتی که شده این لایحه تنظیم شده و البته بتصویب مجلس خواهد رسید. ولی يك مطلبی که در این لایحه مسکوت مانده و بنده لازم دانستم در این موضوع بعنوان اظهار نظر در کلیات نظریه خودم را عرض برسانم تا اگر آقای وزیر طرق توضیحی دارند بفرمایند. تا بحال اداره کردن امور بنادر شاه و شاهپور با اداره راه آهن بوده و حالا که این مؤسسه برای اداره کردن امور بهره برداری راه آهن تاسیس میشود خواستم بدانم آیا اداره کردن بنادر شاه و شاهپور کما فی السابق جزء اداره راه آهن خواهد بود یعنی با این مؤسسه راه آهن خواهد بود یا يك مؤسسه علیحده برای اداره کردن او تاسیس خواهد شد. چون در لایحه این موضوع مسکوت مانده بنظر بنده لازم بود که مطلب توضیح شود که مسئله اداره کردن امور بندر شاه و شاهپور معلوم شود.

وزیر طرق (آقای منصور) - مطلبی که آقای احتشام

زاده فرمودند درست است که در لایحه ذکر نشده ولی چون يك مطلب بدیهی بود از این جهت ذکرش در این لایحه لازم نبود. بندر شاه و شاهپور دوراس مهم راه آهن است و ترتیب بهره برداری و نگاهداری این دو بندر کاملاً مرتبط با اداره راه آهن است یعنی طوری است که تفکیک بردار نیست. وسائل ناقله حفظ اینها تمام با راه آهن است و مال راه آهن است و اداره کردن امور این دو بندر توسط راه آهن هم با صرفه تر است و هم عملی تر از اینست که بخواهیم يك اداره علیحده تاسیس کنیم (صحیح است) و لهذا چون محتاج بذکر نبود در لایحه ذکر نکردیم. و البته وقتی که بنای ساختمان های اساسی بود در این دو بندر آنوقت تشکیلات علیحده خواهد داشت از نقطه نظر ساختمانی. ولی بهر حال بهره برداری باید جز اداره راه آهن باشد زیرا هم با صرفه تر است و هم سهلتر و بهتر.

رئیس - رای میگیریم برود در مواد آقایی که موافقت قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.

ماده ۱ - برای اداره کردن بهره برداری راه آهن دولتی ایران اعم از خطوط موجوده یا خطوطی که در آینده احداث شود مؤسسه بنام راه آهن دولتی ایران تشکیل میشود.

رئیس - ماده دوم

ماده ۲ - مؤسسه راه آهن دولتی ایران که جزو تشکیلات وزارت طرق می باشد مرکب از یک هیئت مدیره و یک هیئت نظارت و دارای قسمت ها و شعب ادارتی و فنی لازمه خواهد بود.

رئیس - ماده سوم

ماده ۳ - الف) هیئت مدیره تشکیل میشود از مدیر کل راه آهن که سمت ریاست را دارد و سر مهندس راه آهن که معاون فنی او میباشد و یک نفر عضو مهندس و رئیس محاسبات راه آهن.

ب - هیئت نظارت تشکیل می شود از معاون وزارت طرق که سمت ریاست هیئت را دارا می باشد یک نفر نماینده از طرف وزارت مالیه یک نفر نماینده از طرف دیوان محاسبات و دو نفر مهندس از طرف وزارت طرق و وظایف دو هیئت مزبور و مدیر کل راه آهن و معاون فنی او بر حسب نظام نامه معین خواهد گردید.

رئیس - ماده چهارم

ماده ۴ - کلیه امور اداری و فنی مؤسسه راه آهن دولتی ایران اعم از مسائل مالی و استخدای و مقررات و نظامات مربوطه برشته های مختلفه بهره برداری متناسب احتیاجات آن مؤسسه بر طبق نظامنامه های مخصوص چریان خواهد یافت.

نظامنامه های لازمه را وزارت طرق بتصویب هیئت وزراء خواهد رسانید.

نظامنامه های مربوطه بامور مالی با موافقت وزارت مالیه تهیه خواهد شد.

تبصره ۱ - باستثنای مواردی که در نظامنامه مربوطه معین می گردد نصب و انفصال و انتقال و تعیین حقوق و اضافه حقوق و ترفیع کلیه مستخدمین راه آهن در حدود نظامنامه با اختیار مدیر کل راه آهن خواهد بود.

تبصره ۲ - مستخدمین مشمول قانون استخدام کشوری که در خدمت مؤسسه راه آهن دولتی ایران خواهند بود تابع نظامنامه ها و مقررات مؤسسه مزبوره بوده و هرگاه کسور تقاعد مقرر در قانون استخدام کشوری را به صندوق تقاعد بپردازند از مزایای قانون مزبور به تقاعد و وظیفه و انتظاف خدمت و ترفیع رتبه نیز استفاده خواهند نمود.

تبصره ۳ - استخدام مستخدمین خارجی در راه آهن موکول به تصویب هیئت وزراء می باشد.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرض بنده در تبصره دو و تبصره سه ماده چهارم است. در آنجا که تکلیف مستخدمین راه آهن را معین میکند خواستم از آقای وزیر طرق سؤال کنم که این مستخدم رسمی که جزو مستخدمین مؤسسه راه آهن پذیرفته میشوند آیا این حق را خواهند داشت که مثل سایرین از خدمت رسمی صرف نظر کرده و کنتراحت شوند یا نه؟ این يك قسمت یکی دیگر این است که نوشته ترفیعات بر طبق نظامنامه خواهد بود که بتصویب هیئت وزراء خواهد رسید. البته این نظامنامه قطعاً يك چیزی خواهد بود که در قانون استخدام نیست و يك چیز دیگری خواهد بود. زیرا این مستخدم رسمی که مشمول قانون استخدام است البته مطابق قانون استخدام با او عمل میشود. این نظامنامه او را هم خواهد گرفت. یعنی این نظامنامه شامل او میشود یا نه. یکی هم موضوع تبصره ۳ است که استخدام مستخدمین خارجی راه آهن را موکول به تصویب هیئت وزراء نموده. برای استخدام مستخدمین خارجی يك قانونی مجلس شورای ملی گذرانده است

بطور کلی که معروف است بقانون ۲۳ عقر ب خواستم از آقای وزیر طرق سؤال کنم برای چه از آن قانون صرف نظر کرده اند. با اینکه همیشه مجلس در دسترس دولت است و هر که را بخواهند استخدام کنند خیلی زود می توانند کنتراحت او را از مجلس بگذرانند پس چرا از آن قانون صرف نظر کرده و يك اصلی را که همیشه جاری بوده و مجلس شورای ملی اتخاذ کرده و مدت ها هم عمل میشده حالا ازش صرف نظر میکنند و آن قانون را عملاً نقض میکنند؟! بنظر بنده بهتر است همان طور که مجلس شورای ملی برای مستخدمین خارجی مقرراتی گذرانده ضرری ندارد آنها را در نظر بگیرند و بنظر بنده يك وسائلی هم هست که اگر يك چیز هائی از نظر کار بیشتر اهمیت دارد زود تر بگذرد و اجرا شود.

وزیر طرق - در موضوع این که فرمودند

اگر کسی مشمول قانون استخدام باشد و وارد مؤسسه راه آهن شود این آیا می تواند صرف نظر از حقوق استخدام سابقش بکند یا خیر البته هر مستخدمی آزاد است که اگر بخواهد سابقه اش را از دست بدهد و بعد مستخدم آزادی بشود این را باید بنویسد و تقاضا کند و وزارتخانه مربوطه اش موافقت کند و البته او آزاد میشود. پس قیدی ندارد. اما این که نظامنامه که برای ترفیع مستخدمین راه آهن نوشته میشود شامل مستخدمین مشمول قانون استخدام میشود یا خیر. يك قسمتش میشود يك قسمتش نمیشود. کلیاتش مشمول قانون استخدام است البته طی مراحل و رتبه هایش مطابق ترتیبات قانون استخدام باید باشد اصل حقوقش مطابق اصل قانونی باید باشد ولی ممکن است يك فوق العاده هائی برای نوع کار اختصاصی راه آهن در کار باشد. این ها چون شب و روز کار میکنند نوع کار هایشان هم فرق دارد با مستخدمین معمولی برای این تفاوت هائیک استفاده هائی می کند بنا بر این این نظامنامه که این جا ذکر کرده ایم مال مستخدمین اداره راه آهن است مال مستخدمین معمولی را ذکر کرده ایم که اینها

تابع مقررات قانون استخدام است. اما راجع به مستخدمین خارجه که فرمودید البته تصدیق میفرمائید این تبصره خودش يك اجازه قانونی است که مجلس میدهد بهیئت وزراء و البته او هم هیچوقت يك ترتیبی در نظر نمیگیرد که خارج باشد از جریان قانونی مجلس. منتها چیزی که هست البته رعایت مقتضیات کار هم باید بشود مؤسسه راه آهن ممکن است احتیاج زیاد داشته باشد به متخصص فنی آن وقت دولت متصل باید لایحه بیاورد. و این اسباب تضییع اوقات مجلس می شود. اما اساساً حالا که این اجازه را دادند این خودش يك اجازه قانونی میشود چنانچه در موارد رئیس صناعت و رؤسای کارخانجات هم همین اجازه را مجلس داد و البته هیئت وزراء هم با اجازه مجلس دقت خواهد کرد و نظریات را اجرا خواهد نمود.

رئیس - آقای دبا (نیستند) آقای طهرانچی

طهرانچی - يك قسمت از عرایض بنده را آقای اعتبار بمرض رساندند توضیحی که آقای وزیر طرق راجع با استخدام مستخدمین خارجه فرمودند که اگر جزء جزء را بمجلس بیاوریم موجب تضییع وقت مجلس خواهد بود مقنع نبود زیرا بنده خیال میکنم سابقاً يك لایحه دیگر هم که کنتراحت استخدام پنجاه یا شصت یا هفتاد نفر را برای راه آهن آورده اند به مجلس لایحه آنها را گذاردند. در این صورت ممکن است در مواقع لازمه اجازه بیست سی چهل پنجاه نفر را بگیرند و همینطور که سابقاً هم کرده اند از مجلس بگذرانند و البته این بهتر از این است تا يك چیزی که در قانون اساسی هست باین طریق اجازه بگذرانند بنده عقیده ام این است تصویب کنتراحت و استخدام مستخدمین خارجی را باید کماکان با مجلس باشد. منتها لوایح را در موقع خودش بیاورند و بگذرانند و فرضاً زیاد تر یعنی آنچه که برای سال خیال میکنند لازم است اجازه اش را بگیرند. مجلس همیشه برای تصویب لوایح دولت حاضر است. و این ترتیب که معمول بوده

بهرتر از این است که يك لایحه بگذرانند که استخدام مستخدمین خارجی با هیئت وزراء باشد. و البته این ترتیب که قرار داده اند مصالحی داشته که بنده تصور میکنم باز هم هست و باید باشد عرض دیگری که بنده داشتم راجع به تبصره يك. در ماده قبل میگوید راه آهن اداره می شود بوسیله يك هیئت مدیره. در تبصره يك ماده چهار میگوید ترفیع و اضافه حقوق و نصب و انفصال و اشتغال و همه این ها با مدیر کل راه آهن خواهد بود. بنده می خواستم توضیح بخواهم که این هیئت مدیره چه کاره است. وقتی بنام يك مؤسسه با هیئت مدیره اداره بشود آنوقت نمیشود رئیس آن هیئت مدیره به تنهایی دارای اختیاراتی باشد یعنی دارای تمام آن اختیاراتی که باید هیئت مدیره تصویب نماید. از قبیل انفصال عزل و همه این ها اگر باید همه این اختیارات را به رئیس داد آنوقت هیئت مدیره معنی ندارد و زاید است. صلاح میدانند که اختیار با همان رئیس کل باشد دیگر احتیاجی به هیئت مدیره نخواهد بود اگر با هیئت مدیره است که آنرا لازم نخواهد داشت پس عقیده بنده این است که عزل و نصب و انتقال و اینها همه با هیئت مدیره باشد منتهی اگر هیئت مدیره بخواهند این اختیار را بیک شخص تنها یا اشخاص خارجی بدهند بتوانند دولتی باختیار رئیس هیئت مدیره بنده خیال میکنم بر خلاف قوانین حقوقی است.

وزیر طرق - راجع به مستخدمین خارجی نظر آقای این بود که اجازه مجلس لازم است این اجازه با این تبصره حاصل میشود و عده اش را هم ما از حالا نمی توانیم تعیین کنیم و لزومی ندارد وقتی که منظور این باشد که با اجازه مجلس باشد همین توضیحیکه دادم اساساً مطابق این تبصره مجلس اجازه میدهد ولی عددش را میفرمائید این عدد چه اهمیت دارد و چه فایده دارد مقصود اجازه داشتن قانونی است که با این تبصره حاصل می شود این عقیده بنده است بملاوه يك اداره که تازه تشکیل می شود و احتیاجاتش کم کم رو بتروسه است البته عده اعضا را

نمیشود قبلاً معین کرد و بهتر این است که يك تسهیل و اختیاری در کار این اداره باشد منتهی البته در حدود قانونی کار خودش را بکند منظور از آوردن این لایحه هم بمجلس همین است که يك احتیاجات خاصی و يك وضعیت خاصی برای اداره راه آهن هست که با سایر ادارات معمولی دولتی مشابه نیست اگر بخواهیم این را مقید کنیم بهمان قیود پس چرا این لایحه را میآوریم می خواهم بگوئیم که این اداره يك احتیاجات خاص و يك ترتیب اداری خاصی دارد و البته لازم هم بود که این کیفیت و تشکیلاتش بموجب يك قانونی باشد و اما راجع به هیئت مدیره که فرمودید اینجا لازم است توضیحی عرض کنم که اولاً درست است که تشکیل خاصی است ولی مؤسسه تجارتنی نیست لازم نیست که هر ترتیبی که در يك شرکتی است در اینجا هم باشد و این اختیاراتی که راجع باجزاء بمدير کل میدهم نه از جهت ریاست هیئت مدیره است بلکه از جهت مدیری کل راه آهن است که از طرف دولت معین میشود ملاحظه میفرمائید هیئت مدیره يك وظایفی دارد که البته آنها بموجب نظامنامه معین میشود برای رسیدگی و بالاخره تهیه مطالبی که مربوط است باین مؤسسه راه آهن و بایستی به هیئت دولت راپرت شود تقدیم شود مثلاً بودجه را تهیه میکنند ترتیبات و تنسیقات داخلی را میدهند نظامنامه خاصی خواهد داشت اما مدیر کل راه آهن که در این هیئت مدیره سمت ریاست دارد در واقع دو جنبه دارد يك جنبه مدیر کلی يك اداره با يك اختیاراتی که از طرف دولت دارد و يك جنبه ریاست هیئت مدیره برای مشورت در اموری که بموجب نظامنامه محول میشود به هیئت مدیره بنا بر این آن اختیاراتی که راجع با جزاء هست از نقطه نظر مدیری کل اداره است نه از سمت ریاست هیئت مدیره بجهت اینکه ما اختیار اجزاء را به هیئت مدیره نمیدهیم عملی هم نیست باید بمسئولیت شخص مدیر کل اداره باشد.

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - بنده خواستم فقط توضیحاً عرض کنم که بنده عرض نکردم تعدادش را در همین لایحه بنویسند یا ذکر کنند بنده عرض کردم موقعی که محتاج میشوند هر مقداری که لازم دارند با يك لایحه بیاورند چون فرمودند جزء جزء محتاج میشویم هر قدر محتاج میشوند ممکن است پیش بینی کنند که در ظرف سال چقدر احتیاج دارند ضمن يك لایحه بیاورند و اجازه بگیرند در قسمت دیگر هم که فرمودند این مؤسسه تجارتنی نیست هر مؤسسه که بنام هیئت مدیره اداره شود هیئت مدیره در قوانین مخصوص يك اختیاراتی دارد بیک اداره کردن کل امور آن مؤسسه است اگر لازم ندارند پس سایر اعضا چه کار دارند اگر مقصود راپرت دادن است که او از وظایف هیئت تقنینیه است که بصاحب کار یا صاحب مؤسسه که دولت است راپرت بدهد وظیفه هیئت مدیره راپرت دادن نخواهد بود مگر اینکه تشکیلات مخصوصی بخواهند قائل شوند که آن امری است علیحده

رئیس - آقای امین

مرتضی خان امین - مقصود از مستخدم خارجی چیست مستخدم فنی است یا اداری میخواستیم اینجا توضیحی داده شده باشد که مقصود مستخدمین فنی خارجی است این است که مستخدم استخدام مستخدمین فنی نوشته شود نه مطلق مستخدمین خارجی

وزیر طرق - این قیدی که آقا میفرمایند معنایش این خواهد بود که مستخدمین غیر فنی بکلی آزاد خواهند بود و حال آنکه ما میخواستیم همه اش مشمول این تبصره باشد وقتی لفظ فنی را بگذاریم غیر فنی بکلی بی قید است

دکتر طاهری - آن با مجلس است

رئیس - ماده پنجم

ماده ۵ - عایدات راه آهن عبارت است از:
۱ - وجوه حاصله از اجزای بهره مصوب دولت

۲ - وجوهی که ممکن است از فروش یا اجاره اشیاء و اموال راه آهن و یا از جرائم مربوطه به تنسیقات اداری و انتظامی حاصل گردد

۳ - وجوهیکه مطابق ماده واحده مصوب ۱۸ آبان ۱۳۱۲ بانصوب دولت پرداخته شود

وجوه مذکوره فوق بوسیله مؤسسه راه آهن دولتی ایران جمع آوری و دریافت میگردد و در حساب مخصوصی در بانک ملی گذاشته میشود و مخارج موافق بودجه مصوبه مستقیماً از طرف مؤسسه بهمان حساب حواله و پرداخته خواهد شد

رئیس - آقای اعتصام زاده

اعتصام زاده - بنده راجع به تبصره ۲ ماده ۴ عرض داشتم که موقعش گذشت

رئیس - در شور دوم بفرمائید ماده ششم قرائت می شود

ماده ۶ - هیئت مدیره و هیئت نظارت هر يك در حدود وظایف خود در ترتیب و تنظیم بودجه سالیانه و جمع آوری عایدات و مصرف وجوه مکلف بمراقبت و نظارت هیباشند و پس از رسیدگی بمحاسبات عایدات و مخارج برای هر سال تا نیمه سال بعد صورت خلاصه از وضعیت مالی مؤسسه بنا تصدیق هیئت نظارت از طرف مؤسسه راه آهن بدولت تقدیم میگردد و صورت مزبور سند تفریح بودجه و مفاسد حساب آن سال خواهد بود و بضمیمه صورت مزبور صورت علیحده دیگری شامل احصائیه و وضعیت کلیه اموال منقول و غیر منقول راه آهن باید تسلیم گردد

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - در این ماده حقیقتاً در امور مالی يك اختیار تام و تمامی به هیئت مدیره داده شده است ولی اینجا يك عبارتی بود که بنده این عبارت را نفهمیدم و آن این است که میگوید صورت خلاصه تقدیم میگردد که صورت مزبور سند تفریح بودجه و مفاسد حساب آن سال خواهد بود یعنی تقدیم صورت بدولت مفاسد حساباً تفریح

بودجه باشد بمقیده بنده این صحیح نیست اقلاً اینجا باید تصریح شود که پس از تصویب هیئت دولت اینطور باشد یعنی هیئت مدیره صورتی تنظیم بکند و تفریح بودجه‌شان را تقدیم هیئت دولت بکنند و هیئت دولت هم تصویب می‌کند نه اینکه ابراز يك صورتی باشد که همان تقدیم يك صورت مفصلاً حسابی باشد

وزیر طرق - اگرچه اینجا نماینده مالیه و نماینده دیوان محاسبات و وزارتخانه‌های دیگر همه رسیدگی کرده اند و البته کافی است برای تصویب ولی باوجود این بنده مانعی نمی بینم که آقا این قسمت را پیشنهاد فرمایند در کمیسیون هم مذاکره و مطالعه میکنیم بنده مخالف نیستم که پس از تصویب هیئت دولت باشد

رئیس - ماده هفتم

ماده ۷ - از تاریخ اجرای این قانون نگاهداری و بکار انداختن کلیه اموال و اثاثیه و ابنیه و وسایل ناقله و ساختمانهای فنی و غیره متعلق بخطوط آهن و کشتی رانی ذریاچه رضائیه با تشکیلات آن بمؤسسه راه آهن دولتی محول میگردد

رئیس - ماده هشتم

ماده ۸ - برای حفظ انتظامات و اجرای مقررات و تنسیقات اختصاصی راه آهن پلیس انتظامی مخصوص تشکیل خواهد شد که مخارج آن در بودجه راه آهن منظور می گردد تشکیلات و وظائف پلیس انتظامی بموجب نظامنامه که بتصویب دولت میرسد معین خواهد گردید و در اجرای وظائف تابع دستور مؤسسه راه آهن خواهد بود

رئیس - ماده نهم

ماده ۹ این قانون از تاریخ اول مهر ماه ۱۳۱۴ بموقع اجرا گذاشته میشود و قوانینی که با هر يك از مواد آن منافات داشته باشد در مورد مؤسسه راه آهن دولتی ایران شامل نخواهد بود

رئیس - آقای دبا

طباطبائی دبا - يك قسمت از مواد این قانون مخالف با يك عده از قوانینی است که از تصویب مجلس گذشته ولی چون هیئت دولت امروز برای اداره راه آهن چنین لایحه را لازم دانسته اند البته مخالفتی نیست و صحیح هم هست و راه آهن باید باین ترتیب اداره شود در ماده نهم مخالفتی ندارم فقط با خبر کمیسیون مخالفم ماده دولت تنظیم کرده بود عبارت اینطور بود که در مورد مؤسسه راه آهن قوانینی که با این قانون مخالف است مجری نخواهد بود این يك مطلبی است صحیح يك قوانینی است که شامل همه موارد است ولی موقتاً چنین صلاح دیده ایم که آن قانون مجری نشود در مورد راه آهن نه اینکه قوانین را بهم بزیم بلکه در قوت خودش باقی است منتهی در این مورد موقتاً دولت همچو صلاح میدانند مجلس هم تصویب میکند که آن قوانین در مؤسسه راه آهن مجری نخواهد بود ولی کمیسیون طرق آمده اند اصلاح کرده اند مجری را برداشته اند شامل گذاشته اند در صورتیکه آن قوانین شامل است و در این مورد نباید گفت شامل نیست بلکه آن قانون موقتاً در این مورد مجری نیست این است که بنده پیشنهاد کردم که ماده ۹ عیناً همان ماده ۹ لایحه دولت باشد

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - بنده يك تذکری میخواستم بدهم راجع ببودجه چون در این لایحه يك جا نوشته بودجه مصوبه و بکجا هم نوشته ترتیب و تنظیم بودجه را هیئت مدیره خواهد داد منظور این است که بودجه از طرف دولت تصویب شود ولی در هیچيك از مواد ندارد که بودجه را کی باید تصویب کند با هیئت مدیره است یا دولت است یا مجلس است این را باید در کمیسیون در نظر بگیرید که تکلیفش معلوم شود و لایحه این را ندارد

وزیر طرق - این را بنده عرض کردم که البته يك اداره دولتی ممکن نیست بودجه آن بدون تصویب دولت باشد باوجود این

در شور دوم این قید را هم میکنیم یعنی تصریح میکنیم ولی معنایش مسلم است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود:

پیشنهاد آقای طباطبائی

در ماده ۶ پیشنهاد مینمایم بعد از جمله و صورت مزبور الی آخر تصریح شود بعد از تصویب هیئت دولت

ایضا پیشنهاد آقای دبا

پیشنهاد مینمایم ماده ۹ عیناً آنچه در لایحه دولت بوده تصویب شود

پیشنهاد آقای اعتصامزاده

پیشنهاد میکنم تبصره ۲ ماده ۴ بطریق ذیل اصلاح شود:

تبصره ۲ - مستخدمین مشمول قانون استخدام کشوری که وارد خدمت مؤسسه راه آهن دولتی ایران کردند از مزایای قانون مزبور راجع بتقاعد و وظیفه و انتظار خدمت و ترفیع رتبه کافی السابق استفاده خواهند نمود
رئیس - رأی گرفته می شود بورود در شور دوم آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد

[۵ - بقیه شور لایحه قانون مدنی از ماده ۱۳۰۹]

رئیس - ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی

ماده ۱۲۰۹ - هر کس که دارای هجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است. معذک در صورتیکه بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج میشود.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - اینجا میگوید هجده سال تمام اگر ندارد غیر رشید است. لی بعد از پانزده سال کامل اگر در محکمه ثابت شد او را رشید حساب کرده و از تحت قیمومت خارج میشود. اولاً معنای کمائی که ما داریم خوب می بینیم امروز جریان مزبور ندارد کمترین معنای که دو سال سه سال طول میکشد آنوقت در اینجا می گویند پانزده سالش که خدا اگر

در محکمه ثابت شد رشید است محکمه هم مرحله ابتدائی دارد استیناف دارد، تمیز دارد بعد از تمیز حکم قطعی میشود البته تازمانی هم که حکم قطعی نشود صغیر از تحت قیمومت خارج نخواهد شد بنا بر این با این جریانات بنده خیال میکنم محاکمه سه سال طول میکشد و طبعاً اواز تحت قیمومت خارج می شود چون بهجده سال بالغ شده است در این صورت خوب بود مینوشتنند محکمه ابتدائی یا استیناف و الا با این مشی هائی که بنده در عدلیه می بینم سه سال باید طول بکشد و بعد از سه سال هجده سالش تمام شده و خودش کبیر است بعلاوه مصارفی دارد که صغیر بساید وکیل بگیرد و محاکمه کند وکیل هم مجانی نمی آید برای صغیر کار کند باید پول بدهد اگر محکوم کرد آن قیم را اگر قیم خودش باید بدهد که آن قیم بیچاره چه تقصیر کرده است که جبران خسارات صغیر را بکند چون محکمه حکم که داد صغیر هم مطالبه خساراتش را میکند و قیم از کجا بدهد و اگر صغیر محکوم شد چطور قیم از مال صغیر بر میدارد او باید مال صغیر را حفظ کند در این ماده بنده يك توضیحاتی میخواستم و خوب بود آقای وزیر عدلیه تشریف میداشتند برای اینکه علاوه بر این چیزی که حکم کلی است يك موضوعات معینه هم در این باب داشتند که بنده نمیتوانستم بطور تمثیل خاطر آقای وزیر محترم عدلیه را متذکر کنم و ابستشهاد بآنها بکنم چون خاطرشان مسبوق است از محاکماتی که بین صفار و قیمهاشان هست و آنوقت جواب بنده را مطابق آنچه خودشان میدانند میفرمودند در هر صورت بنده ماده را خوب تنظیم شده شده نمیدانم با این محاکمات و این مقدمات

مخبر - البته خاطر آقا مسبوق است که يك قانونی سابقاً گذرانندیم که تدریس بود (قانون رشد متعاملین) اگر خاطر آقا باشد این قانون از مجلس گذشت یعنی وزیر عدلیه پیشنهاد کرد و آمد بکمیسیون عدلیه و مجلس تصویب شد. رشد متعاملین را در آنجا هجده سال معین کردیم که معاصر رسمی معامله اشخاصی را که سنشان از ۱۸

سال کمتر است نمی پذیرند مطابق سجل احوالشان که در همانجا هم تصریح شد. پس ما يك قانونی داریم که سن متعاملین هجده سال است در آن قانون همین عبارتی که این جا نوشته شده آن جا هم نوشته شده است که سن متعاملین هجده سال است منتهی اگر کسی ثابت کرد در محکمه که رشید است قبل از هجده سال آنوقت با او معامله رشید می شود در اینجا منتهاش را پانزده سال معین کرده آنجا این را نداشت. اما اشکالاتی که راجع بمحاکمه و بطول جریان و اینها فرمودید البته دفاعش با آقای وزیر عدلیه است ایشان باید بگویند که چرا جریان محاکمات بطی است بنده نمیدانم اما از نقطه نظر عمومی چون ما يك قانونی گذرانندیم و رشد متعاملین را ۱۸ سال شرط کردیم اینجا هم در قانون مدنی تذکر میدهم و البته خوب سابقه دارید حضرتعالی که اینجا يك اصلی داریم بملت این که وقتی یک نفر سنش پانزده سال کمتر است این بالغ نیست و بسن پانزده که رسید بالغ میشود اما رشید هم هستند؟ او باید محرز شود چرا بملت اینکه استصحاب عدم رشد هست و بعلاوه تصریح و نص داریم (و ان آنتم منهم رشدافادوا الیهم) اموالهم پس وقتیکه رشد محرز شد ما می توانیم اموالشان را دستشان بدهیم پس این اعتراض هم میرود لیکن اگر ثابت کرد در محکمه که خیر رشید هستیم ولو هجده سال نداشته باشد معاملاتش را میپذیریم لیکن اگر خیر هیچ نگفت و بسن هجده رسید البته اوضاع و احوالش معلوم میشود و اگر رشید نبود بواسطه عدم رشدش تحت قیمومت خواهد آمد ولی اعتراضی که راجع ببطول محاکمه که کردید که موقع میگذرد البته این هست در محاکمات و البته چرخ محاکمه از هر چرخ بطی تر است ولیکن کاریش نمیشود کرد.

رئیس - آقای نقابت.

نقابت - عرض کنم در اصل ماده ۱۲۰۹ نسبت بآن قیمتهایی که از نظر رشد مورد اعتراض آقای عراقی بود بنده عرض ندارم تا حدی جواب از طرف آقای خبریابان هم ولیکن يك جزء آن خیلی مورد اشکالات عملی است و

استقلال فکری دارند مخصوصاً در نقاط کر مسیری زن خیلی زودتر به سنینی میرسد که میتواند عقیده مستقلی داشته باشد باین جهت برای رفع این اشکال بنده معتقدم با سن ازدواج را که شانزده است هجده بکنیم یا اینجا هجده را شانزده بکنیم که این اشکال رفع شود با این است که اگر هم قبول نمیفرمایند ممکن است آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند که اینطور اصلاح بشود تا رفع اشکال هم بشود نه شانزده باشد نه هجده بلکه هفده سال باشد که بالاخره زن حق داشته باشد در هفده سالگی مستقلاً قبول زوجیت بکند و مستقلاً هم اقامه دعوی بکند.

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - بنده باقسمت اخیر این ماده کاملاً موافقم که البته اگر کسی بخواهد و بتواند قبل از هجده سال ثابت کند رشدش را حق داشته باشد ولی میخواستم عرض کنم که در اثنای محاکمه معاملات غیر رشید چه حالی دارد؟ این صغیر غیر رشد که مدعی رشد شده است این چه حالی پیدا میکند معاملاتش؟ چون رفت بمحکمه و عرضحال هم داد و این جریان یکسال یا ششماه طول کشید و تا حکم صادر شود خوب این از تاریخ صدور حکم رشدش ثابت شده است یا از تاریخی که عرضحال داده؟ برای این که او میآید و در تاریخی که عرضحال میدهد میگوید در این تاریخ من کبیر هستم و رشید هستم و معاملاتم باید محرز باشد خوب آیا در اثنای این مدت معاملات این چه حال دارد؟ آیا باید معاملاتی در این مدت نشود و قیسم هیچ معامله نکند؟ که این از برای اموال و امور مالی صغیر البته مضرات چون مواردی پیش می آید که ضروریست چاره چیست؟ ولی اگر گفتیم که از تاریخی که حکم داده میشود از آن تاریخ رشید محسوب میشود خوب این معاملاتش که قبلاً کرده اند چه میشود؟ این را خواستم تذکر بدهم که در کمیسیون این را اصلاح بفرمایند. اگر از تاریخ صدور حکم هم بگیریم تازه حکم ابتدائی دارد استثنائی دارد تمیز هم دارد بالاخره از تاریخ صدور حکم ابتدائی است با حکم باید بنیاید و جریان استثنائی خودش

را هم طی کند؟ باید برای این هم يك فکری بکنند که در این قسمت هم اسباب زحمت تولید نشود.

وزیر عدلیه - در یکقسمت اظهارات آقای طهرانچی اشکالی روی نمیدهد چون مادام که رشد کسی قبل از هجده (در سن بین هجده و پانزده) ثابت نشده باشد معاملات او انجام نمیشود ترتیب اثر هم بآن معاملات داده نمیشود اگر فرض بفرمایید معامله را کرده باشد و در حال مراعی مانده باشد و او بخواهد رشدش را اثبات کند محکمه ممکن است تاریخ رشد را از تاریخ عرضحال حکم بدهد مثل حکم توقف تاجر که محکمه میتواند رسیدگی کند و تشخیص بدهد که قبل از این هم تاجر متوقف بوده است این جا هم محکمه می تواند بگوید از تاریخ عرضحال رشید است. (طهرانچی - معامله قییم چه حالی پیدا میکند؟) در هر صورت معامله قییم که صحیح است چون هنوز رشدش اثبات نشده است وقتی حکم صادر شد و ترتیب اثر بر آن معامله بر اثر حکم محکمه دائر برشده می شود اگر هم معامله نشده باشد که هیچ موضوع ندارد اگر معامله واقع شده باشد و مراعی مانده باشد بعد محکمه ممکن است حکم تصحیح آرد بدهد اما اینکه يك حکم يك سال یا دو سال جریانش طول میکشد هر حکمی اینطور نیست آقا اینها خیلی زود صادر میشود چون روی يك مبنای زیادی نیست يك اعتبار و امتحانی دارد در پیش متخصصین و اطباء یا عقلائی که معاشر او هستند وقتیکه ثابت شد او رشید است و عارف بمصالح و مفاسد کارهای خودش هست محکمه حکم میدهد مانع زیادی برای صدور حکم ندارد و ممکن است حکم محکمه را هم قطعی قرار بدهیم که طول مدت هم نداشته باشد اینها چیزهایی است خیلی سهل اما در قسمت بیانات آقای نقابت چون از اول نبودم درست ملتفت نشدم که مقصود ایشان چه چیز است و چه اشکالی است؟ در قانون البته باید رعایت همه جهات بشود. اینکه برای دختر شرط شد که از سن شانزده یعنی پانزده سال تمام زودتر شوهر نکند این از نقطه نظر رشد جسمانی است و این جا وقتیکه

ملاحظه کنیم می بینیم افراد این ملک همه میدانند که سن شانزده کافی است برای ازدواج دختر ولی آن مواد از نظر قابلیت صحت در قانون مدنی نوشته میشود که از نظر رشد جسمانی کمتر از آن ممنوع است اما آن مربوط نیست بر رشد عقلی و تشخیص مصالح و مبادی اخیری آن رشد انشائی که قادر باشد بانشاء يك معامله یا نکاح فرق نمیکند عقود یا ایقاعات همه اینها را باید شخصی که طرف است یعنی شخص معامل یا ناکح یا منکوحه عقلش برسد بکار خودش و رشد عقلی داشته باشد (صحیح است) نوعاً در تمام امور چه نسبت بمعاملات و مناکحات ملاحظه شده است سن هجده سن متوسطی است که اکثر افراد ملک می بینیم در این سن دارای رشد هستند در عین حال در قانون يك مندوچه گذاشته شده است که اگر کسی قبل از سن هجده و بعد از پانزده تمام رشدش اثبات بشود یعنی افراد نادره باشند که دارای رشد باشند (رشد عقلی منظور است) اشکالی ندارد و وقتیکه محکمه حکم داد تمام معاملاتشان صحیح است البته پس از ثبوت و صدور حکم محکمه و همچنین عکسش هم اینطور است که اگر پس از هجده سال باز ثابت و مسلم شد که در حال سفه است و غیر رشید است باز هم محتاج بقیم خواهد بود پس ملاک و مناط رشد و عدم رشد است نهایت سن هجده يك سن تخمینی و تقریبی است که حداقل قرار داده شده یعنی از سن هجده بعد اصل رشد است مگر اینکه خلافش ثابت شود و قبل از سن هجده هم اصل عدم رشد است مگر اینکه خلافش ثابت شود و اینها هم تنافی با هم ندارند بجهت اینکه دو حیثیت است یکی مسئله تشخیص منافع و مصالح و مفاسد خود است ام از اینکه راجع بنکاح باشد یا راجع بمعاملات دیگر باشد مثلاً راجع به مهر باشد هیچ تفاوتی بین آنها نمیباشد یکی هم راجع به حیثیت صحت است و رشد صحتی است که از این نقطه نظر هر قانون قید شده است که دختر در سن پانزده تمام میتواند شوهر بکند (صحیح است)

رئیس - آقای عراقی

عراقی - در این ماده قبل از اینکه آقای وزیر عدلیه تشریف بیاورند در مجلس بنده اشکالاتی داشتم که عرض کردم آقای مخبر هم يك جوابهایی فرمودند و یکی از اشکالات مرا جواب ندادند که حالا باز بیان میکنم. در اینجا می نویسد: هر کس دارای هجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است معذالك در صورتیکه بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج میشود. یکی از اشکالاتی که بنده داشتم راجع بهمین هجده سال برای رشد عقلی و شانزده سال برای رشد جسمانی بود که آقای نقابت هم آنرا بیان فرمودند چون این اشکال هم پیش میآید برای اینکه در عین حالی که رشد بدنی را خودش داراست و بسن شانزده که رسید باید رشد معامله کردن را نیز داشته باشد نه اینکه بولیش بگوید و از او بخواهد که او برایش بگیرد یا معامله بکند یا بگوید این مهر کم است یا زیاد است این مربوط بشخص اوست ولی اینطور میشود که صلاح و صواب راجع به مهرش مربوط بشخص خودش نمیشود و محتاج به تشخیص ولی است و البته این خوب نیست گرچه جواب آقای نقابت را در این قسمت قانون میدهد که در مورد معاملاتش باید ولی او اجازه بدهد که فرضاً چقدر باشد مهرش زولی او اجازه داد رفع این اشکال میشود بحسب ظاهر اما این کافی نیست حالا بعد وارد در این موضوع میشوم. اما در این قسمت ماده که مینویسد هر کس که دارای هجده سال تمام نباشد در حکم غیر رشید است معذالك در صورتیکه بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود از تحت قیمومت خارج میشود. این جا دوسه تا اشکال دارد که قبل از تشریف آوردن حضرت آقای وزیر عدلیه هم بنده عرض کردم یکی راجع بحکم محکمه است ما نمیدانیم مراد از حکم محکمه یعنی چه؟ یعنی حکم قطعی که بعد از سیر مراحل ابتدائی و استیناف و تمیزی باشد که این خودش تقریباً سه سال طول میکشد این شخص پانزده سالش که تمام باشد با این سه سال که هجده ساله می شود این دیگر محتاج نیست که اقامه دعوی بکند. اگر خبر فقط بحکم

محکمه ابتدائی یا استیناف قطعی است و تمیز پیدا نمیکند که در این صورت اشکال بنده وارد نیست اما اگر تمام مراحل است که اشکال بنده وارد است. اشکال دیگری که دارم این است که آیا صغیر خودش عریضه میدهد یا آن کسی که تحت قیمومت است وکیل می کرد که محاکمه کند که من کبیر هستم؟ اگر وکیل بگیرد پولی باید بدهد وکیل و خرج محاکمه و اینها بعد از دوشق بیرون نیست یا صغیر محکوم میشود و محکمه حکم میدهد که باید بهجان حال باقی باشد و در تحت قیمومت بماند یا خیر. حاکم میشود و محکمه حکم میدهد که باید از تحت قیمومت خارج شود اگر محکوم شد که این قیم باید خسارات او را بدهد بچه مناسبت باید قیم خساراتش را بدهد؟ یعنی قیم باید از جیب صغیر بدهد بچه مناسبت؟ چون او میگوید من کبیرم آنوقت محاکمه میکنند از قضای اتفاق معلوم شد که کبیر نیست و حالا باید پانصد تومان هزار تومان خسارت بدهد که چرا آمدید و محاکمه کردید و گفتید که من کبیر هستم اگر بگوئید از جیب قیم داده میشود چرا قیمی را که صدی سه یا صدی چهار یا صدی پنج باو حقوق داده میشود بیاید و يك مبلغی خسارت از جیب خودش بدهد که صغیر آمده و ادعا کرده که من کبیرم تا از تحت قیمومت خارج شود ولی بعد محکوم شده است؟ اگر هم خودش از اموالش باید بدهد چرا بدهد؟ این است که در هر دو قسمت اشکال هست. پس در ماده يك اشکال من راجع بحکم محکمه است که حکمی که محکمه صادر میکند چه حکمی است؟ اگر حکم قطعی است که پس از استیناف و تمیز باشد که مدعی طول میکشد خود آقا مسبقاً قید که الان موضوع عالی هست که يك سال یکسال و نیم است در جریان معا که است و حکم قطعی هنوز صادر نشده است علاوه بر طول کشیدنش در صورت محکومیت خسارت هم باید بدهد این پول را باید او بدهد یا قیم بدهد یا مثلاً دولت که ولی من است من له اللقم فملیه اللرم. اگر هم دولت بنا است بدهد که برای دولت زور است چرا بدهد؟ این ظلم است. این

بود که خواستم آقای وزیر عدلیه در این بابها جوابی بدهند.
وزیر عدلیه - اولاً در قانون مدنی لازم است همینقدر قید شود که رشد قبل از هجده سال در محکمه ثابت شود و بیشتر ازین لازم نیست اما مبانی محاکمه ثابت کار و مدارکی که لازم است ضمیمه شود و کی عرضحال پذیرفته میشود اینها جزو اصول محاکمات است و جاش این جا نیست ممکن است در آن جا یا در جای دیگر این قیود ذکر بشود که مناسب نیست که این جا ما يك جنبه اصول محاکماتی را در قانون مدنی ذکر کنیم هیچ لازم نیست البته هر کجا نوشته میشود محکمه حکم میدهد یعنی حکم قطعی و حکم قطعی هم یعنی قابل الاجراء البته تا حکم قابل اجرا نباشد اجرا نمیشود ولی آیا حکم ابتدائی قطعی است در حین صدور مثل حکمی که راجع به تصحیح اوراق هویت از محکمه صادر میشود یا نه و آیا این حکم قابل استیناف و تمیز است جاش اینجا نیست در هر صورت ما مصالحی را در نظر میگیریم و در اصول محاکمات پیش بینی میکنیم (صحیح است) اما اینکه میفرمایند کی عریضه میدهد البته خودش عریضه میدهد اگر يك کسی امروز که مدعی العموم اقامه دعوی کرده است بر او بجنون و حکم حجر و جنون او صادر شده است و ثابت شده است بعد خود مدعی افاقه برایش حاصل شود و بگوید خیر من جنون ندارم آنوقت عرضحال البته از او نباید پذیرفته شود چون اصل این است که عاقل است و او هم میگوید من عاقلم همینطور هم اگر صغیر اختلاف شد در سن او یا در جهات دیگرش و گفت من کبیر شده ام یا سفیه است و گفت من رشید شدم فرض این است که خودش مدعی صحت است و از خود او قبول میشود مثلثی فریب این محاکمه هم میزان عقلش فهمیده میشود و از خود این محاکمه طرز حال او فهمیده میشود که رشید است یا نیست ولی اینکه فرمودید خسارت دارد خسارت ندارد چرا نظر آقایان همیشه بيك ها کلمات حقوقی است که ممکن است منتهی بخسارات زیادی بشود یا ها کلمات تجاری که وکیل

لازم دارد وکلای مهم درجه اول را متهم انتخاب میکنند که حق الوکاله زیاد از و بخواهند این طور نیست. زیرا خود او عرض حال میدهد و مدعی بهی هم ندارد غیر از رشد رشد هم تقویم نمی شود یک خرج محاکمه زیادی هم بهش تعلق نمیگیرد فقط همان خرج اولیه تبر عرض حال است که یک قران یا در همین حدود است و جزئی است و پیش از این هم چیزی نیست و اثبات این کار یا عدم ثبوتش هم مثنوی زیادی لازم ندارد بجهت اینکه مربوط است بمدارک و اطلاعات مطلعین یعنی وقتی یک مطلعینی که برای محکمه محل وثوق باشند احوالات این شخص را میگویند و از طرز رفتار و کار خود او هم معلوم میشود که رشید است و فوراً محکمه حکم میدهد اگر هم معلوم شد که نیست عرض حال را رد میکند و این مستلزم مخارجی نیست تا آن مشکلاتی که آقا فرمودید تولید شود.

رئیس - آقای وثوق.

وثوق - عرضی ندارم.

رئیس - ماده ۱۲۱۰ قرائت میشود.

ماده ۱۲۱۰ - هیچکس را نمیتوان بعنوان جنون یا عدم رشد بعد از کبر و رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

رئیس - ماده ۱۲۱۱ قرائت میشود:

ماده ۱۲۱۱ - جنون بهر درجه که باشد موجب حجر است

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - عرایض بنده راجع بماده ۱۲۱۰ بود و آن ماده را بنده محتاج باصلاحی میدانم ماده میگوید: هیچکس را نمیتوان بعنوان جنون یا عدم رشد بعد از کبر و رشد مجبور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. یعنی کسی را نمیتوان بعد از رشد مجبور گفت مگر اینکه دوباره عدم رشد او ثابت شود این جا اگر چه ظاهراً عبارت منتهی به این است یعنی رسیدن بعد از رشد که هم در تمام است. اگر مقصود عدم رشد باشد آنوقت

حیازت مباحات کند و اراضی را که حیازت کرده است متصرف آن اراضی بشود ولی اینجا تصرف او را غیر نافذ میدانیم در دعوی تصرف عدوانی و نظایر آن بخواهیم احترامی بتصرف او بگذاریم این کلمه تصرف بر ضرر صغیر خواهد بود و خلاف منظور است چون معاملاتیکه اینجا ذکر شده بعقیده بنده کافی است بعد هم تملکات بلا عوض بتواند بکند کلمه تصرفات اینجا اگر حذف شود بهتر است

وزیر عدلیه - مقصود را ملتفت نشدم بکمرتبه توضیح بدهید آقا.

رئیس - ماده ۱۲۱۵

ماده ۱۲۱۵ - هرگاه کسی مالی را بتصرف صغیر غیر ممیز یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - این ماده را بنده خیال میکنم با ماده بعدش سازش ندارد زیرا در این ماده میگوید هرگاه کسی مالی را بتصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود ولی در ماده ۱۲۱۶ میگوید هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است آنجا برای او مسئولیت درست میکنند من مال را دادم دست صغیر راست است من علت شدم برای تلف ولی عبارت تقریباً سازش ندارد بنده خیال میکنم در آن عبارت ماده بعدیک چیزی بیآورید که با این تنافی پیدا نکند

وزیر عدلیه - گمان میکنم از دقت در خود عبارت

جواب آقای عراقی داده شود برای اینکه ماده ۱۲۱۶ این است که اگر صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر بشود ضامن است ولی بوقت صاحب مال باعث شده است که بدست او داده است و این تنافی باهم ندارد.

مؤید احمدی - در پیشنهاد است از آقای حیدری

یکی کلمه تا حدی از ماده ۱۲۱۲ حذف شود یکی در ماده ۱۲۱۳ در آخر ماده جمله «مشرط بر اینکه افاقه او مسلم باشد» هم حذف شود.

رئیس - ماده ۱۲۱۶

ماده ۱۲۱۶ - هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است.

رئیس - ماده ۱۲۱۷

ماده ۱۲۱۷ - اداره اموال صغار و مجابین و اشخاص غیر رشید بعهده ولی یا قیم آنان است بطوریکه در باب سوم از کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است.

رئیس - ماده ۱۲۱۸

فصل دوم

در موارد نصب قیم و ترتیب آن.

ماده ۱۲۱۸ - برای اشخاص ذیل نصب قیم میشود

۱ - برای صفاری که ولی خاص ندارند.
 ۲ - برای مجابین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.

۳ - برای مجابین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر آنها نباشد

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده در آن فقره اول و دومش اشکالی ندارم ولی در قسمت سوم برای مجابین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر آنها نباشد دلیل ندارد که در اینصورت قیم خارجی برای آنها معین کنند قانون مدنی کتش اگر نباشد چلش و قسمت اعظمش راجع است بکتاب فقهیه اسلامی و در این قسمت سوم اگر قوی هم داشته باشیم باینکه نصب قیم برایش بشود با داشتن پدر ممکن است بواسطه قطع استصحاب باشد که خودش رشید شده و بعد عدم رشد یا جنون عارضش شده اما حالا که رشید شده چرا نباید پدرش بعد از رشدش ولی بشود و دیگر حاکم نباید ولی باشد. بیشتر اقوال بنده خیال میکنم این است که با داشتن پدر و یا جد باید آنها مقدم باشند بر حاکم که برایش ولی معین کند در خارج مجلس هم به آقای وزیر عدلیه عرض کردم و بندهم مراجعه کردم دیدم همینطور است که عرض میکنم این قول که

بگوئیم پدرش ولی است زیاد تر است و چون این قانون مدنی هم از روی فقه است اگر آقا مراجعه فرموده اند و باز جدیت دارند فیهما والا بنده پیشنهاد بدهم که با فصل و رشد بین صغر و جنون یعنی صغیر بعد از رشد اگر مجنون شد باید ولی پدر باشد.

وزیر عدلیه - این موضوع البته همانطوری که آقای عراقی بیان فرمودند مورد اختلاف هست ولی چیزی که بنای ما در قانون مدنی هست شهرتی است که تقریباً فتاوی علماء است که امرز هم میگویند شهرت های محققه است علاجی هم ندارد و اگر بخواهیم قانون مدنی را يك قانون ثابتی که هر روز يك رای در آن مدخلیت نکند و اختلافی پیش نیاید تهیه کنیم همانطوری که کرده ایم ناچار باید همین را اختیار کنیم. مسئله ولایت قهری صرف نص است در واقع استثنائی است از اصل کلی فرق دارد با آن احتراماتی که پدر دارد زیرا مادر هم در تمام احترامات نسبت با اولاد شریک است و لیکن معدنک ولی قهری نیست بدلایلی که آقا گفتند پس بعد از انقطاع یعنی پس از کبر و رشد اولاد دیگر هیچ دلیلی نیست برای این استصحاب چون قطع شده است و البته آن هائی که قول بر این دارند دلایلی ذکر میکنند ولی عرض میکنم فتاوی محققه غیر از این است و ما این را گذاشتیم حالا اگر آقا ابرادی دارند پیشنهاد بدهند در کمیسیون صحبت میکنیم.

رئیس - ماده ۱۲۱۹

ماده ۱۲۱۹ - هر يك از اوبین مكلف است در مواردی كه بموجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را بمدعی العموم بدایت حوزه اقامت خود و یا بنا به بنده او اطلاع داده از او تقاضا نمایند كه اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.

رئیس - ماده ۱۲۲۰

ماده ۱۲۲۰ - در صورت نبودن هیچك از اوبین یا عدم اطلاع آنها بانجام تكلیف مقرر در ماده قبل بموده اقرایی است كه یا شخص محتاج قیم در یكجا زندگی میکنند

که عدم رشد آنها احتیاجی باثبات در محکمه ندارد اینها را می نویسد که پارکه مستقیماً رجوع بمحکمه شرع بکند ماده بکهزار و دویست و بیست و سه مینویسد در مورد مجاین و اشخاص غیر رشید باید مدعی العموم قبل از تقاضای نصب قیم بفرستد بمحکمه ابتدائی و در آنجا عدم رشدش ثابت شود با این وضع در ماده ۱۲۲۲ باید بنویسد: اشخاصی که بسن هیچجده نرسیده اند آنها را به محکمه شرع بفرستند در صورتیکه اینجا مینویسد: اشخاصی که احتیاج به نصب قیم دارند که از آنجمله مجاین هم باشد مستقیماً بمحکمه شرع بفرستد در صورتی که ماده بعدی میگوید باید جنون آنها ثابت شود این است که بنده در این قسمت پیشنهاد کردم اینجا که مینویسد در هر موردی که مدعی العموم بنحوی از آنها بوجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبقاً گردید باید بمحکمه شرع رجوع کند پیشنهاد کردم نوشته شود کمیکه به سن ۱۸ سال نرسیده است و باید هم برای او نصب قیم شود اگر باین ترتیب اصلاح شود آنوقت ماده بعدی هم که راجع است بمجاین و کسانیکه عدم رشد آنها ثابت نشده این قسمت هم اصلاح خواهد شد. یکی اینموضوع موضوع دیگر اینکه در ماده ۱۲۲۳ مینویسد در بعضی موارد هم هست که وقتی از محکمه شرع تقاضای نصب قیم میشود محکمه شرع علاوه بر نصب قیم میتواند ناظر هم معین کند در صورتیکه مطابق ماده که بعد قرائت خواهد شد و مطابق مواد کلی که در این قانون هست مدعی العموم همیشه حق نظارت در اموال صغیر و مجنون دارد. همچنین در ماده ۱۲۴۷ مینویسد که مدعی العموم میتواند نظارت را رجوع کند بیک اشخاص معینی پس اگر در این ماده هم محکمه شرع میتواند ناظر معین کند قیم را که محکمه شرع خودش معین کرده حق همه گونه نظارت دارد هم محکمه شرع میتواند ناظر معین کند هم پارکه میتواند و باین ترتیب دو دسته ناظر معین شده است در صورتیکه بمقتضای بنده محکمه شرع فقط انتخاب قیم میکند هرگز نمیتواند راجع بنظارت در هر

صغیر بطوری که در ماده ۱۲۴۷ پیش بینی شده ناظر تعیین کند از این جهت بمقتضای بنده اگر بماده بعدی قائل شویم اینموضوع در اینماده زائد است **وزیر عدلیه** - اشکالات و مذاکراتی که در اینموا د میشود بمقتضای بنده وسلیقه که دارم دو قسمت است يك قسم در حقیقت مناسب بکمیسیون است که در اطرافش مذاکره شود و بر مناسب نیست که اینجا خیلی معطل شویم و تصور میکنم در کمیسیون هم این مطلب مذاکره شد اولاً طرز مطلب نویسی يك اقتضائی دارد که اول حکم کلی را مینویسیم بعد اگر آن حکم کلی يك شرط خاصی داشته باشد آن شرط خاص را ذیل آن مینویسند حالا هم اینطور رعایت شده است برای اینکه وقتی مدعی العموم مطلع شد بوجود کسی که لازم است برای او نصب قیم شود و محجور شود از تصرف در اموال خودش نص این است بمحکمه شرع رجوع کند این حکم بود و کلی است جنبه کلیتی دارد. و در بعضی افراد لازم است يك اقدام مقدماتی دیگری هم بکنند و آن این است که در موضوع سفیه یا صغیر باید قضیه در محکمه ابتدائی اثبات جنون یا عدم رشد او را هم بکنند پس از آن بمحکمه شرع بفرستد که نصب قیم بکند و اما قسمت دیگر که محکمه شرع بتواند ناظر معین کند این عمل ملاحظه شده است که از باب سهولت کار است برای اینکه مدعی العموم يك اشخاصی را در نظر بگیرد و گاهی هم اشخاص پیدا میشوند و بزحمت بکنند را پیدا میکنند یا دو نفر یا سه نفر را پیشنهاد میکنند بمحکمه شرع و بنا اتفاق میافتد که محکمه شرع یا احاکمی که آنجا نشسته است او اعتماد و اطمینان نمیکند به او گاه اتفاق میافتد که نظر خود را بمدعی العموم اظهار میکنند او اشخاص دیگر را پیشنهاد بکند تا بالاخره موافقت حاصل میشود گناه هم اتفاق میافتد که موافقت حاصل نمیشود یا کسی پیدا نمیشود قبول کند و او ناچار است همین آدمی را که پیشنهاد میکنند قبول کند و بمحکمه شرع هم میگوید من اطمینان ندارم این اموال عطفی است که رفع اختلاف

پیدا شود و راه سهولت تمام شود و معطل نباشد حاکم هم میگوید خوب من يك کسی را معین میکنم که او هم نظر داشته باشد و نظر داشتن غیر از کسی است که مقصدی تصرف و اقدام در کار باشد آنکه مقصدی و اقدام کننده است قیم است ناظر هم داشته باشد ضرری بجائی نمیزند و اسباب سهولت کار است چون عملاً اینطور مشاهده کردیم که این وسیله سهولت است این را هم در قانون گذاشته ایم رئیس - ماده ۱۲۲۳

ماده ۱۲۲۳ - در مورد مجانبین مدعی العموم باید قبلاً رجوع به خبره کرده نظریات خبره را بمحکمه ابتدائی ارسال دارد

در صورت اثبات جنون مدعی العموم بمحکمه شرع رجوع میکنند تا نصب قیم شود. در مورد اشخاص غیر رشید نیز مدعی العموم مکلف است که قبلاً بوسیله مطلعین اطلاعات کافی در باب سفاقت او بدست آورده در صورتیکه سفاقت را مسلم دید در محکمه بدایت اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم بمحکمه شرع رجوع نماید.

رئیس - ماده ۱۲۲۴

ماده ۱۲۲۴ - حفظ و نظارت در اموال سفار و مجانبین و اشخاص غیر رشید مادام که برای آنها قیم معین نشده بعهده مدعی العموم خواهد بود.

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - در اینجاده فقط بنده تذکری را لازم بود بدهم اینجان نوشته شده (حفظ و نظارت اموال سفار و مجانبین) یعنی حق داده اند که اینهارا حفظ کنند و بنظر بنده همان حق نظارت است از این جهت اگر همان کلمه حفظ نوشته شود کافی است خصوصاً که از يك اشکال دیگری هم باید اجتناب کنیم و آن این است که بطور کلی در ماده ۱۲۲۴ نوشته شده است که مدعی العموم ها در همه موقع بحق نظارت داشته باشند و بحق نظارت مدعی العموم ها محدود نیست در

صورتیکه این جا مینویسد تا موقعی که برای آنها تعیین قیم نشده میتواند نظارت و حفظ کند برای اینکه تعارضی نباشد بهتر این است که تنها نوشته شود اموال سفار را تا قیم معین نشده حفظ نماید و بنظر بنده همین کافی خواهد بود

و وزیر عدلیه - اصل مطلب يك عبارت است که در هر موردی میتواند يك درجه از برای او قرارداد مثل همان نظارتی که مثلاً برای متولیان اوقاف یا برای وصیت و امثال آنها معین میشود با ناظر منصوب است یا فقط ناظر است باینکه اگر متولی یا وصی خیانت کرد ایراد بگیرد بر او در هر صورت این يك چیزی است که بقول علما مقرون به تشکیک است در عبارت ماده هم اول همان عبارت نظارت بود بعد گویا در کمیسیون یکی از آقایان بهمین مناسبت اظهاری کردند که چون نظارت گاهی هم معنایش ضعیف است ممکن است اگر در آن موقع اموالی از سفیر تلف شود بهتر است که يك تقویتی بشود پس باید در ماده حفظ و نظارت باشد حالا تصور میکنم اینها اصلاح عبارتی است باز در کمیسیون صحبت میکنیم اگر بهتر از این شد اصلاح میکنیم

رئیس - ماده ۱۲۲۵

ماده ۱۲۲۵ - همینکه حکم جنون یا عدم رشد بکنفر صادر و بتوسط محکمه شرع برای او قیم معین گردید مدعی العموم میتواند حجر او را اعلان نماید انتشار حجر هر کسی که نظر بوضعیت دارائی او ممکن است معاملات بالنسبه عمده ای واقع گردد الزامی است

[۶ - تصویب چهار فقره مرخصی]

رئیس - اگر اجازه می فرمائید جلسه را ختم کنیم و قبل از ختم جلسه چند فقره را پورت کمیسیون مرخصی است که بمرض آقایان میرسد.

خبر مرخصی آقای شیرازی

آقای میرزا محمد تقی خان شیرازی نماینده محترم برای رسیدگی بامور محل حوزه انتخابیه خود بنان تقاضای بیست

روز مرخصی از تاریخ ۲۲ خرداد ماه نموده اند کمیسیون عرایض با تقاضای ایشان موافقت نموده اینک خبر آنرا تقدیم مینماید.

رئیس - آقایانیکه مرخصی آقای اقبال را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد

رئیس - آقایانیکه مرخصی آقای شیرازی را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

خبر مرخصی آقای افشار

آقای افشار نماینده محترم در اثر کسالت و ابتلای بمالاریا شش روز از تاریخ ۲۶ خرداد از حضور در مجلس معذور و تقاضای مرخصی کرده اند کمیسیون عرایض عذر ایشان را موجه دانسته و با تقاضای ایشان موافقت نموده اینک خبر آنرا برای تصویب مجلس مقدس تقدیم مینماید.

رئیس - آقایانیکه مرخصی آقای افشار را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

رئیس - آقایانیکه بامرخصی آقای همراز موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۷ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده یکشنبه ۱۲ مرداد ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور باقی قانون مدنی و لوایح طارق (مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری